

تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده آمریکا و وزن ژئوپلیتیک ایران؛ با تاکید بر قدرت مردمی جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمد اخباری* / مجید غلامی**

چکیده

«تحریم همه جانبه» با رویکرد فشارهای گسترده اقتصادی، نظامی، اجتماعی، حمل و نقل و ... از سوی ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران موضوع مقاله حاضر است. در این نوشتار که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و ... تهیه گردیده است در پاسخ به پرسش اصلی مقاله، فرضیه اصلی مقاله بیان می‌دارد: ایالات متحده آمریکا با اتخاذ راهبرد تحریم برای تحریم، تلاش دارد با گسترش ابعاد تحریم‌های خود علیه ایران تا حد ممکن، با فلج کردن زندگی روزمره مردم به عنوان تکیه گاه حیاتی کشور، با ضربه به قدرت مردمی جمهوری اسلامی ایران از طریق دامن زدن به اعتراضات مردمی، رفتارهای جمهوری اسلامی ایران در آینده را مدام از طریق تحریم تغییر دهد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند: تحریم‌های آمریکا علیه ایران در راستای تلاش این کشور برای مدیریت بحران رهبری جهانی ایالات متحده قابل تفسیر است و نه تنها این کشور در مذاکرات هسته‌ای با ایران در حال حاضر، تحریم‌ها را در یک مرحله و برای همیشه قطع نخواهد کرد بلکه حتی در صورت حل و فصل مسائل هسته‌ای تلاش خواهد کرد از راهبرد تحریم برای تحریم، با تغییر جهت و هدف از تحریم‌ها، با اعمال تحریم‌های جدید به مطالبات جدید از جمهوری اسلامی بپردازد.

کلید واژه‌ها

تحریم، آمریکا، ایران، وزن ژئوپلیتیکی، قدرت مردمی و مردم.

مقدمه

اعمال فشارهای تنبیهی در قالب تحریم و در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، تکنولوژیک و... از مشخصه‌های اصلی نظم نوین آمریکایی و جهانی در حال تغییر است که پس از پایان جنگ جهانی دوم و با آغاز جنگ سرد، به طور جدی به عنوان راهبردی اصلی در سیاست خارجی برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. آمریکایی‌ها با تسلط سازمان مند در سازمان‌های بین‌المللی سیاسی و مالی و همچنین داشتن قدرت سیاست‌گذاری مالی از طریق دلار و ... در طول سال‌های پس از جنگ سرد نیز بر اتخاذ سیاست تحریم در قبال برخی کشورها از جمله صربستان، پاناما، افغانستان، عراق، سوریه و... اقدام کرد تا جایی که اوج راهبرد تحریم را در سیاست‌های این کشور، در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌توان شاهد بود.

با وجود تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و برخی دیگر از کشورها، موضوع تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران از آن جهت انتخاب شده است که اولاً تحریم‌های آمریکا علیه ایران، به‌عنوان جامع‌ترین تحریم‌ها در روابط بین‌المللی شناخته می‌شود و از سوی دیگر، تحریم‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و برخی دیگر از کشورهای غربی و غرب گرا، با فشار آمریکا و در جهت تداوم همان فشارها برای ایران اعمال می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، تحریم‌های سایرین علیه ایران پسینی و تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، پیشینی است. از سوی دیگر، شناسایی هدف نهایی تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران از ضروریات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. ضرورتی که دارای اهمیت فوق‌العاده حتی بیشتر از چیستی و چگونگی اعمال تحریم‌های مختلف دارد. همچنین، این که تحریم‌های آمریکا چگونه ادامه خواهد یافت و خواست نهایی رهبران آمریکا از تحریم ایران چیست نیز از ضروریات بحث پیرامون تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران است.

با توجه به مطالب فوق، نگارندگان مقاله حاضر با طرح این سوال که تحریم‌های همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی بر وزن ژئوپلیتیک ایران چه تاثیری می‌گذارند، فرضیه اصلی خود را این‌گونه ارائه نموده‌اند: ایالات متحده آمریکا با اتخاذ راهبرد تحریم برای تحریم، تلاش دارد با گسترش ابعاد تحریم‌های خود علیه ایران تا حد ممکن، با فلج کردن زندگی روزمره مردم به‌عنوان تکیه‌گاه حیاتی کشور، با ضربه به قدرت مردمی جمهوری اسلامی

ایران از طریق دامن زدن به اعتراضات مردمی، رفتارهای جمهوری اسلامی ایران در آینده را مدام از طریق تحریم تغییر دهد.

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی و از نوع تبیین علی است که داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و نیز اطلاعات گردآوری شده از طریق اینترنت، به روش کیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. مقاله حاضر با توجه به این که هدف آن واکاوی ارتباط میان تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده با قدرت مردمی جمهوری اسلامی ایران است، سعی دارد با شناسایی دقیق انواع تحریم‌های ایالات متحده به تاثیر متقابل آن بر قدرت مردمی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

۱. چارچوب نظری: وزن ژئوپلیتیک

وزن ژئوپلیتیک از مفاهیم اساسی در علم ژئوپلیتیک و عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی موثر در قدرت ملی یک کشور. به عبارتی جمع جبری عوامل قدرت ملی (Hafeznia, 2011:109). همچنین در تعریف آن آمده است، وزن ژئوپلیتیک عبارت است از نیروی جمعی عوامل و پدیده‌های موثر در قدرت ملی یک کشور و عملکرد ماورای مرزی آن. این عوامل و پدیده‌ها عبارتند از موقعیت متناسب جغرافیایی و استراتژیک کشور، توان ملی برای استفاده بهینه از این موقعیت‌ها و نیروی ابتکار در اعمال دیپلماسی پیشرفته (Mojtahedzadeh, 2012: 111). حافظ‌نیا معتقد است، وزن ژئوپلیتیک، بضاعت یک کشور و یا منزلت آن را در مجموعه‌ای از کشورها و یا در سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای با وزن ژئوپلیتیک مشخص می‌کند (Hafeznia, 2000:211). شناخت تاثیر عوامل واقعیت دهنده قدرت ملی که در مجموع ممکن است اهمیت موقعیت جغرافیایی، انسانی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و دیپلماتیک یک کشور (یا یک قدرت) را تا آن اندازه بالا برد که آن کشور یا آن قدرت را در معادلات ژئوپلیتیک جهانی یا منطقه‌ای صاحب نقش سازد، گویای وزن ژئوپلیتیک است. به عبارت دیگر، جمع عواملی که در تعیین میزان قدرت و نفوذ کشورها یا قدرت‌ها موثر بوده، وزن ژئوپلیتیک است که به‌عنوان وسیله‌ای به آن کشورها یا قدرت‌ها یاری می‌دهد تا در شکل‌گیری نظام سلسله مراتبی قدرت در جهان، که در ادبیات ژئوپلیتیک سیاست‌های غربی، نظام جهانی خوانده می‌شود، موثر باشند (Mojtahedzadeh, 2012: 111).

خادم به نقل از عزتی با تاکید بر رابطه قدرت ملی و ژئوپلیتیک، شاخص‌های قدرت ژئوپلیتیک را عوامل ثابت (فضا و تقسیمات آن، سرزمین و وسعت آن، عوامل طبیعی،

گذرگاه‌ها، شکل کشور و...) و متغیر (جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و...) معرفی و تبیین نموده است (Khadem, 2011: 101).

وزن ژئوپلیتیکی رابطه مستقیم با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم جهانی و منطقه‌ای دارد. یعنی هرچقدر وزن بیشتر باشد، منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگ‌تر، هم‌تراز و یا کوچک‌تر بیشتر می‌شود و هر اندازه اعتبار و منزلت بیشتر افزایش یابد همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی و یا نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرآیندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و کشور می‌تواند به تدریج در جایگاه مدیریت و رهبری فرآیندها و کنش‌های جمعی قرار بگیرد و نقش سیاسی و بین‌المللی محوری ایفا نماید (Hafeznia, 2011:110-111). مرادیان در این باره معتقد است: «با وجود آن که طراحان استراتژیک در طرح‌های خود به برخی عوامل ژئوپلیتیکی اشاره کرده و آن را در طرح‌های خود دخالت می‌دهند، اما هیچ نشانه‌ای از توجه علمی و تاثیر نظام‌مند این عوامل در استراتژی‌ها دیده نمی‌شود» (Moradiyan, 2010: 171).

با توجه به مطالب فوق، وزن ژئوپلیتیکی می‌تواند به تولید و بازتولید قدرت و فرصت‌سازی برای پیشبرد نقطه نظرات، سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های خود در سطح منطقه‌ای و جهانی بپردازد. بنابراین، وزن ژئوپلیتیکی مفهومی بنیادین در سرنوشت کشورها و فضاها و مکان‌های جغرافیایی و میزان اقتدار و قدرت بازیگری حکومت‌ها و دولت‌ها و نهادهای اجتماعی آن‌ها محسوب می‌شود.

بسیاری از متفکرین در معرفی شاخص‌های وزن ژئوپلیتیکی به عناصر قدرت ملی اشاره می‌نمایند. در این باره حافظ نیا معتقد است، در اندازه‌گیری وزن ژئوپلیتیکی، کلیه متغیرها و عوامل مثبت و منفی کمیت‌پذیر مربوط به سرچشمه‌ها و مولفه‌های نه گانه قدرت شامل سرزمینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، علمی-تکنولوژیکی، فضایی و فرامرزی لحاظ می‌شوند (Hafeznia, 2011:109). اسپایکمن نیز با برشمردن عواملی نظیر ساخت کشور، ماهیت مرزها، کثرت جمعیت، منابع طبیعی، توسعه اقتصادی و صنعتی، قدرت مالی، تجانس نژادی، میزان انسجام اجتماعی و درجه روحیه ملی (Seifzadeh, 20010: 145) با برقراری ارتباط میان عناصر قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی کشورها، به قرابت نزدیک این دو مفهوم به هم اشاره نموده است.

یکی از مهمترین شاخصه‌های وزن ژئوپلیتیکی و به تبع قدرت ملی کشورها، انسجام اجتماعی و روحیه مردمی است که از آن با نام قدرت مردمی و از مهمترین مولفه‌های وزن ژئوپلیتیک کشورها نام برده می‌شود. مردم یک کشور با حمایت‌ها و پشتیبانی‌های معنوی خود، اثرگذاری بسیاری در موفقیت سیاست‌های حکومت خود دارند. قدرت مردمی از جمله مولفه‌های سیاست جغرافیایی کشور نیز به حساب می‌آید؛ چرا که حمایت‌های مردمی از یک حکومت با ویژگی‌های جغرافیایی ملت‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد. در اهمیت وزن ژئوپلیتیکی حسین پور پویان به نقل از گریفیتس و کالگان آورده است: «در علم روابط بین‌الملل، جغرافیاست که سرنوشت‌ها را رقم می‌زند» (Hoseinpour Pouyan, 2012: 163). در ادامه با تاکید بر وزن ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر مولفه قدرت مردمی، به اثرگذاری تحریم‌های ایالات متحده بر این مولفه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

۲. یافته‌های تحقیق

۲-۱. تحریم: استفاده از همه ابزارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی، تکنولوژیکی و... برای رسیدن به اهداف سیاسی و تاثیرگذاری بر رفتار طرف مقابل از شیوه‌های مرسوم حکومتی در طول تاریخ روابط بین‌المللی بوده است. هرچند در طول تاریخ، استفاده از ابزارهای تهاجمی و نظامی مرسوم بوده است و نمونه‌های متعدد تاریخی گواه آنند اما در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم، دیگر از مشروعیت آن‌ها بسیار کاسته شده اما همچنان نمونه‌های تهاجم برای رسیدن به مقاصد سیاسی در اشکال نوین بسیار روال روزمره عرصه‌های بین‌المللی است. تحریم و اعمال فشارهای تنبیهی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، تکنولوژیک و... از شیوه‌های رایج نظم نوین جهانی است که در موارد متعددی امتحان و دیگر تبدیل به رویه‌ای رایج در روابط ابرقدرت ایالات متحده با هم‌راهان غربی اش در مناسباتشان با کشورهای مخالف وضع موجود بین‌المللی شده است. کارتر معتقد است، تحریم به‌عنوان ابزاری برای تامین منافع سیاست خارجی یک کشور، در میانه طیفی قرار می‌گیرد که در یک سوی آن سخت‌ترین اقدامات قهرآمیز مانند کاربرد نیروی نظامی، فعالیت‌های پنهانی یا تهدید به زور است و در سوی دیگر، طیف تدابیر دیپلماتیک،

اخراج دیپلمات‌ها، احضار سفیر، اعتراض رسمی دیپلماتیک و به تعلیق درآوردن مبادلات فرهنگی قرار دارد. به عبارتی، تحریم‌ها در میانه طیف قرار داشته و به جای آن‌ها می‌نشینند (Carter, 1998). به باور الکساندر جورج، «منطق دیپلماسی اجبار مبتنی بر این است که چنین دیپلماسی موفق خواهد بود اگر در خواست‌ها از حریف متکی بر تهدید به مجازات برای عدم تمکین باشد و در عین حال، این تهدید آن قدر معتبر و قوی تلقی شود که ترغیب به تمکین نماید» (George, 1994:13). وی ادامه می‌دهد، نحوه انجام تحریم در سه قالب راهبردی پیگیری می‌شود: اول، اخطار با هدف معرفی خطوط قرمز و ضرب‌الاجل برای اقدام و تهدید به اعمال مجازات در صورت عدم تمکین؛ دوم، آزمودن حریف با هدف دادن اخطار اما بدون تعیین ضرب‌الاجل و مجازات مشخص و همچنین افزایش مجازات‌ها و در نهایت سوم، اعمال فشار همه جانبه و تدریجی با هدف نابودی درونی رقیب (Ibid,7-8).

همچنین، پیرامون موفقیت و اثرگذاری تحریم‌ها به عوامل متعددی از جمله به موارد انتخاب اهداف واقع بینانه، القای فوریت در خواست‌ها و این که عامل زمان به نفع اجبار کننده است، اعتبار تنبیه، تکمیل تنبیه با تشویق، آمادگی برای اقدامات ضروری پرهزینه در صورت عدم تمکین حریف و... اشاره شده است (Waltz, 2013).

۲-۲. تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران: ایالات متحده با داشتن مزیت بزرگ ترین اقتصاد جهان، به صورت مرتب به انواع تحریم‌های گوناگون بر علیه کشورهای مختلف می‌پردازد. این در حالیست که همواره نقدهای جدی درباره بی اثر بودن تحریم‌ها مطرح بوده و در این رابطه ایالات متحده با شکست‌های آشکاری نیز در به نتیجه رساندن دیپلماسی اجبار تحریم‌ها مواجه شده است، از جمله پاناما (۱۹۸۹)، صربستان (۱۹۹۸)، افغانستان در دوره حکومت طالبان (۲۰۰۱) و حمله به عراق (۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) (Jervis, 2013).

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در طول تاریخش و از همان اولین روزها مورد هجوم تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفت و همچنان در برابر این تحریم‌ها مقاومت می‌نماید. از آغاز حیات سیاسی انقلاب اسلامی، ایالات متحده به سه بهانه جلوگیری از توسعه برنامه هسته‌ای، حمایت از تروریسم و ادامه نقض حقوق بشر، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها را در مورد ایران اعمال نموده است (Ajili & Keshavarz, 2013:61).

هر چند بیانیه ۴۷۰۲ جیمی کارتر در نوامبر ۱۹۷۹ به‌عنوان اولین تحریم ایالات متحده علیه دولت جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود اما با گذشت نزدیک به چهار دهه از آن تاریخ، همچنان نه تنها از تحریم‌های این کشور علیه جمهوری اسلامی کم نشده بلکه موج فزاینده تحریم‌های ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری اوباما، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نمونه‌های تحریمی در جهان در طول دوران معاصر شناسایی شده است. گستردگی ابعاد تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران هر چند از زوایای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تجاری و ... قابل بررسی است اما سایه سنگین تحریم‌های اقتصادی بر روی دیگر ابعاد تحریم‌ها ملموس‌ترین ویژگی تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران است.

در بررسی دلایل دولت آمریکا در انتخاب راهبرد تحریم‌های همه جانبه، متفکرین و سیاستمداران از زوایای مختلفی، موضوع را بررسی نموده‌اند. برای مثال، دیوید کوهن که از او با عنوان معمار تحریم‌های ایران یاد می‌شود، در سخنرانی خود در جمع دانشجویان مؤسسه آموزشی وکالت با عنوان «تکامل قدرت مالی آمریکا»، تصریح کرد که تحریم‌ها علیه ایران به چند دلیل موفق خواهد بود: اول، شفافیت نظام مالی که اجازه رصد کردن را به دولتمردان آمریکا می‌دهد و دیگری، نفوذ و گستره استفاده از دلار در اقتصاد جهانی که اجازه‌ی تنبیه بازیگران را می‌دهد. کوهن همچنین انسجام و هماهنگی موجود در میان تصمیم‌گیران آمریکایی برای تحریم ایران را یکی دیگر از عناصر موفقیت تحریم‌های ایران می‌داند (Cohen, 2013).

همچنین، در مقاله‌ای با عنوان «تحریم؛ ابزار آمریکا برای تغییر محاسبه ایران»، جمشیدی با تشریح دلایل انتخاب سیاست تحریم‌های همه جانبه علیه جمهوری اسلامی، آورده است که آمریکا با توجه به موارد ذیل، تحریم را کاراترین سیاست تقابلی در برابر ایران می‌داند (Jamshidi, 2013: 92-131):

الف) وجود سیستم محاسبه گری عقلایی در حکومت جمهوری اسلامی ایران «ارزیابی ما این است که توقف برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ که در پاسخ به فشارهای بین‌المللی بود بیانگر آن است که تصمیم‌های تهران بر محاسبه هزینه و فایده استوار است و این گونه نیست که تهران بدون در نظر گرفتن هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی به سمت سلاح اتمی خیز بردارد» (Nie, 2007: 7).

ب) تحریم‌ها؛ سیاستی با حداقل هزینه و حداکثر اثربخشی

تداوم بحران اقتصادی آمریکا در کنار ناکامی‌های راهبردی ایالات متحده در دو جنگ عراق و افغانستان، نه تنها باعث عدم تمایل جدی دولت و جامعه آمریکا به گزینه‌های نظامی دیگر در منطقه و حتی تغییر راهبرد نظامی ایالات متحده شده است، بلکه مجموع مطالعات و برآوردهای ایالات متحده از طیف گزینه‌های واشنگتن در برابر تهران بیانگر پرهزینه بودن، غیرپیش بینی پذیر بودن پاسخ ایران و غیرقابل مدیریت بودن صحنه مواجه احتمالی با ایران است.

پ) انصراف خودخواسته ایران از تحریم‌ها

آمریکایی‌ها معتقدند راه حل نهایی مساله هسته ای ایران، آن است که خود ایران دست از پی گیری برنامه هسته‌ای بردارد چرا که این کار نه تنها بیشترین فشار روانی را به حکومت جمهوری اسلامی وارد می‌کند، بیشترین قدرت نمایی برای آمریکا است بلکه بیشترین ضربه را به افکار عمومی مردم ایران و حامیان جبهه مقاومت و ضدغرب وارد می‌نماید. همچنین، برخی دیگر از متفکران، تجربه تاریخی و درک دولتمردان آمریکایی از نظام سیاسی جمهوری اسلامی و محیط داخلی این کشور در کنار محدودیت قدرت و منابع در دست ایالات متحده را از دلایل اصلی آمریکا برای اعمال سیاست تحریم در برابر جمهوری اسلامی ایران عنوان می‌نمایند (Robert, 2012:13).

۳-۲. شناسایی تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران

هر چند تحریم‌های اقتصادی شاکله، مبدا و روح کلی تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی معرفی می‌شود اما بررسی تخصصی تحریم‌های این کشور علیه ایران، گویای زوایای گسترده فشارهای متنوع علیه حکومت و ملت ایران است تا جایی که بسیاری از متخصصان، تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران را جامع ترین تحریم‌ها و بیش از هر کشور جهان می‌دانند (Jokar, 2012:29). فشارهای یک سویه، فلج کننده و طبقه بندی شده ایالات متحده در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، حمل و نقل و... گویای بارزترین ویژگی تحریم‌های این کشور علیه ایران است که در این مقاله از آن با نام «تحریم‌های همه جانبه» یاد می‌شود. در ادامه، پس از ارائه تصویر شماتیک این تحریم‌ها، به بررسی زوایای مختلف تحریم‌های همه جانبه آمریکا علیه ایران پرداخته شده است:



تصویر شماره (۱): تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران

۱-۳-۲. تحریم‌های نظامی

الف) تحریم تسلیحاتی

- بند ۴۰ قانون کنترل صادرات تسلیحات (P.L. 995-92) و قانون AECA؛ ایران در لیست کشورهای حامی تروریسم ایالات متحده و لذا فاقد شرایط لازم برای صادرات تسلیحات آمریکایی است.

- قوانین CFR22 و ITRA/126.1؛ نظارت ویژه رئیس جمهور آمریکا بر صادرات تسلیحات به ایران.

(ب) تحریم صادرات موارد با کاربرد دو گانه

- بند ۶ قانون مدیریت صادرات (P.L.96-72) و بند ۳۸ قانون کنترل صادرات تسلیحات؛ عدم فروش کالاهایی که می توانند دارای کاربردهای نظامی نیز باشند.

(ج) تحریم شرکت های خارجی دارای صادرات سلاح های کشتار جمعی و یا تکنولوژی های مرتبط به ایران

- قانون عدم تکثیر سلاح های ایران، سوریه و کره شمالی (P.L.106-178)، قانون عدم تکثیر سلاح ایران و عراق (P.L.102-484) و دستور اجرایی ۱۳۳۸۲؛ انسداد دارایی ها و منع تبادلات مالی با شرکت هایی که دارای هر گونه تبادل با ایران و شرکت های مرتبط با ایران در زمینه توسعه سلاح های کشتار جمعی اند.

۲-۳-۲. تحریم های اقتصادی

(الف) تحریم تجاری و سرمایه گذاری

- دستور اجرایی ۱۲۹۵۹؛ ممنوعیت سرمایه گذاری و تجارت شرکت های آمریکایی با ایران جز مواد غذایی و محصولات دارویی البته ممانعت از هر گونه تامین مالی تجاری و تضمین های فاینانس.

(ب) تحریم های بانکی

- دستور اجرایی ۱۳۲۲۴؛ ممنوعیت روابط بانکی بانک های ایالات متحده با هر بانک خارجی که دارای تبادلات مالی با سپاه پاسداران و شرکت های ایرانی مشمول تحریم های قطعنامه های سازمان ملل می باشند.

- دستور اجرایی ۱۳۳۸۲؛ مسدود کردن حساب های همه بانک های خارجی در آمریکا که در روند تبادلات مالی با بانک مرکزی ایران می باشند.

(ج) تحریم های انرژی

- قانون های P.L.104-172 و P.L.111-195؛ ممانعت شرکت های آمریکایی و مستقر در آمریکا از هر گونه تعامل و همکاری در بخش انرژی ایران.

(د) تحریم تسهیلات مالی بانکی

تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده آمریکا و وزن ژئوپلیتیک...

- بند ۱۶۲۱ قانون P.L.95-118؛ اجبار رای مخالفت نمایندگان ایالات متحده در سازمان‌های مالی بین‌المللی با اعطای وام به ایران.
- (و) تحریم تبادلات مالی
- دستور اجرایی ۱۳۲۲۴؛ ممانعت از تراکنش‌های مالی با چندین شرکت ایرانی که در نظر آن‌ها «حامی تروریسم بین‌المللی» اند.
- (ه) تحریم کمک‌های خارجی
- بند A قانون ۶۲۰ کمک‌های خارجی؛ ممنوعیت کمک‌های خارجی ایالات متحده به ایران به جز کمک‌های صرفاً بشردوستانه.

۳-۲. تحریم‌های حمل و نقل

- تحریم کشتیرانی و هوایی
- دستور اجرایی ۱۳۳۸۲؛ مسدود کردن اموال و دارایی‌های خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و چندین شرکت تابعه در ایالات متحده.

۴-۳-۲. تحریم‌های اجتماعی

- تحریم سفر اشخاص
- قانون‌های تحریم جامع ایران، مسؤولیت و سلب منافع (CISADA) و H.R.1905؛ منع مسافرت به آمریکا، انسداد دارایی و منع نقل و انتقالات مالی با ایرانیانی که به عنوان ناقض جدی حقوق بشر بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ در ایران شناخته شده اند.

۴-۲. «بحران رهبری جهانی آمریکا» و تحریم‌های همه جانبه علیه ج.ا.ایران

تهدید استراتژیک جمهوری اسلامی ایران برای آمریکا که پس از وقوع انقلاب اسلامی، ایران و آمریکا را رو در روی هم قرار داد، بعد از پایان جنگ سرد عمق بیشتری در ذهنیت امنیتی آمریکا یافت و در نتیجه در نظر نخبگان آمریکایی، ایران در سال‌های پس از جنگ سرد، دربرگیرنده همه پدیده‌های تهدیدزا برای امنیت آمریکاست (Sajjadpour & Shariati, 2010: 79). علاوه بر این، تحولات آغازین دهه در قرن بیست و یکم، سبب شد که آمریکا با بحران جدی «چالش رهبری جهانی» مواجه شود. بحران اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۰۷ میلادی و از ایالات متحده آغاز شد در کنار تحولات سیاسی جهانی از قبیل چالش‌ها و شکست‌های ملموس آمریکا در مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه و به‌ویژه در عراق، افغانستان، سوریه و... که در قالب موج بیداری اسلامی در حال ادامه یابی و گسترش است، از مهمترین عوامل

تضعیف مشروعیت رهبری ایالات متحده در میان متحدانش بوده‌اند. هزینه‌های سنگین متحدان ایالات متحده که در قالب تصمیم‌های مختلف این کشور نظیر تهاجم نظامی، تحریم و ... در سال‌های اخیر به آن‌ها تحمیل شد و می‌شود، از ملموس‌ترین آثار همراهی‌های بی‌چون و چرای دول غربی و غرب‌گرا از سیاست‌های آمریکا است.

لغزش اقتصاد ایالات متحده به‌عنوان یکی از پایه‌های اقتدار و برتری این کشور در جهان در بحران اقتصادی اخیر، به واقع از مهمترین ارکان تزلزل در اقتدار رهبری آمریکایی به شمار می‌رود تا آن‌جا که بسیاری از کارشناسان اقتصادی از مهمترین آثار بحران اقتصادی در سال‌های گذشته را بسترسازی برای ایجاد تغییر احتمالی در چهره نظام بین‌الملل، می‌دانند (FPRD, 2007).

از سوی دیگر، بر اساس تحلیل بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک، آغاز بیداری اسلامی در جهان اسلام به ضرر آمریکا است چرا که آمریکا از یکسو تلاش می‌کند مهره‌هایش را حفظ کند و از سوی دیگر مجبور است در قبال دموکراسی مردم سکوت کند (Afshordi & Akbari, 2011:33). در همین مورد، علی‌رغم تلاش‌های گسترده ایالات متحده در طول دهه‌های اخیر برای انزوای انقلاب اسلامی ایران، چنان‌که کاظمی دینان معتقد است، انقلاب اسلامی نه تنها از هویت سیاسی شیعه که قبلاً شکل گرفته بود، حمایت کرد، بلکه کانونی برای تمرکز پیرامون آن به وجود آورد که شیعیان از حالت افراد یا گروه‌های منزوی و در حاشیه خارج شدند؛ به تعبیر دیگر به شیعیان جرات داد هویتشان را بیان کنند و ابزاری در اختیار آنان گذاشت تا حضور خود را برای دیگران محسوس نمایند (Kazemi Dinan, 2008:89). حضوری که نه تنها در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب در قالب‌های مختلفی نظیر شکل‌گیری انتفاضه فلسطین، حماس، حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌های مقاومت دیده شده بود بلکه در تحولات سال‌های اخیر منطقه در قالب پیروزی‌های اخیر مردم فلسطین و غزه در نبرد با اسرائیل، قدرت‌یابی شیعیان در عراق، حفظ حکومت بشار اسد در سوریه، تزلزل حکومت‌های در بحرین و یمن و سایر تحولات در موج «بیداری اسلامی» باری دیگر نمایان گشت.

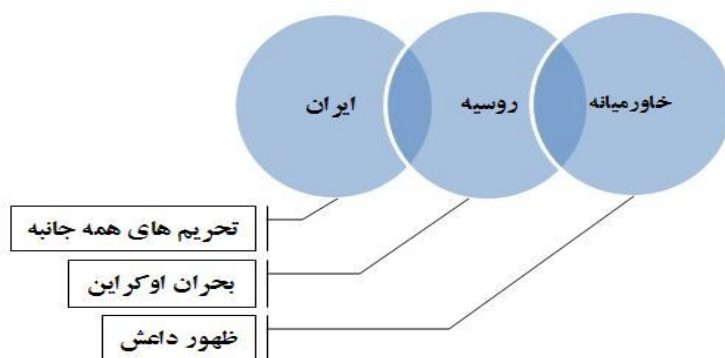
تحولات مذکور نشان داد انقلاب اسلامی به‌عنوان نیروی محرکی در جهت گسترش حوزه نفوذ ایدئولوژی اسلامی در جهان عمل کرده و طرح‌هایی از سلطه حاکم و هژمونی غرب، در بازگشت به اسلام و گذشته اسلامی با قدرت پیگیری شده و با توجه به انطباق آن با نیازهای مادی و معنوی جامعه در قرن حاضر و رشد مقبولیت و مشروعیتش در میان مردم، انقلاب

تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده آمریکا و وزن ژئوپلیتیک...

اسلامی توانایی اثرگذاری بر مسلمانان را پیدا کرده و بر قوام، دوام، کارایی و تحرک خود افزوده و در حال افزودن است.

تمامی موارد فوق، بیانگر عدم موفقیت تلاش‌های گسترده آمریکا برای انزوای جمهوری اسلامی ایران و خود گویای، کاهش تسلط هژمونیک آمریکا بر جهان پس از جنگ سرد دارد. کاهش تسلطی که در کنار آسیب‌های بحران اقتصادی، تزلزل در همراهی متحدان غربی در همراهی از استراتژی‌های آمریکا را نیز در پی داشت و موارد فوق یعنی، «بحران چالش رهبری جهانی برای ایالات متحده آمریکا».

هرچند رهبران، سیاستمداران، متفکرین، دانشگاہیان و ... در آمریکا تحت مدیریت دولت ایالات متحده تلاش‌های گسترده‌ای را برای مدیریت بحران فوق طرح ریزی و پیگیری می‌نمایند. اما مقاله حاضر تلاش دارد با توجه به موضوع تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران، به واکاوی راهبردهای ایالات متحده در ارتباط با ایران بپردازد.



تصویر شماره (۲): بخشی از سناریوی دولتمردان آمریکایی برای رفع «بحران رهبری جهانی ایالات متحده آمریکا»

دولتمردان آمریکایی در برابر «بحران رهبری جهانی ایالات متحده آمریکا»، سیاست‌های متعددی را طرح ریزی نموده‌اند که در مقاله حاضر، مرتبط‌ترین مثلث راهبردی ایالات متحده در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران را در قالب ایران و چالش تحریم‌ها، روسیه و چالش بحران اوکراین و خاورمیانه و چالش ظهور افراطی‌گری‌های داعش شکل‌بندی شده است.

هرچند موضوع محوری مقاله حاضر تحریم‌های ایران است اما قابل ذکر است که راهبرد تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران، خود نیز یکی از اضلاع هندسه راهبردهای ایالات متحده در

فرا راهبرد «احیای هویت رهبری آمریکا» به شمار می‌رود. تلاش‌های آمریکا برای درگیری مجدد روس‌ها با دنیای غرب و تلاش برای اجماع‌سازی در برابر روسیه و همچنین ظهور داعش و تلاش برای رهبری ائتلاف ضد داعش، ساده‌ترین اضلاع هندسه راهبردی «احیای هویت رهبری آمریکا» به شمار می‌روند، تلاش‌هایی که همگی نشان از دست و پا زدن آمریکا برای تداعی رهبری‌اش بر جهان دارد.

۵-۲. ایالات متحده و تحریم‌های همه جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران: «زمانی که من دولت را در اختیار گرفتم ... ایران در منطقه حرکت صعودی داشت، به گونه‌ای فزاینده محبوب بود و دسترسی آن در منطقه در حال گسترش بود. به بیان دیگر رهبران ایران، متحد و در حال پیش روی بودند و جامعه بین‌الملل درباره این که چه باید بکند، دچار شکاف شده بود (Obama, 2012)، هرچند شاید اوباما حرفی از تحریم و ابعاد آن درباره ایران به‌طور مستقیم نمی‌زند اما آن چه آشکار است، هدف از تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران است. کاهش قدرت مردمی انقلاب اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین مشخصه سیاسی وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین هدف تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی است که در قالب راهبرد اصلی «احیای رهبری ایالات متحده» پیگیری می‌شود که در ادامه سعی در تبیین این سناریو شده است.

این واقعیت در بیان جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، که «نفوذ ایران در منطقه رشد داشته... و رهبری ایالات متحده زیر سوال است تا جایی که نه دشمنان از ما می‌ترسیدند و نه دوستان به ما احترام می‌گذارند» (Biden, 2012)، بیانگر اهداف چند لایه سیاستمداران آمریکایی در تدوین راهبردهای مدنظرشان از جمله راهبرد تحریم‌ها علیه ایران دارد.

هرچند پیرامون ماهیت تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران، راهبردهای دوگانه تحریم/ ابزار (تحریم ابزاری است برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران) و تحریم / هدف (تحریم هدفی است برای تغییر حکوت انقلاب اسلامی) در حال مناظره اند (Maloney, 2012) اما در این مقاله، این واقعیت دنبال شده است که تحریم‌ها تبدیل به هدفی برای حکومت ایالات متحده شده و نقش ابزاری خود را دیگر از دست داده است و این یعنی، راهبرد تحریم برای تحریم. آمریکایی‌ها در طول تاریخ جمهوری اسلامی و در ناکامی‌های متعدد برای سرنگونی نظام منتج از انقلاب اسلامی، تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی را، تقابل میان مهمترین داشته جمهوری اسلامی یعنی مردم با جمهوری اسلامی دانسته‌اند و تنها ترین راه حل را، تحریم‌های

همه جانبه علیه مردم. پولاک و تیکی در این باره می‌نویسند، تحریم‌های ایالات متحده با شاخصه فوق و با توجه به این نکته اساسی که تا زمانی که بین دو وجه تعامل و فشار، تعادل برقرار باشد، هر حرکتی محکوم به شکست است (Pollack & Takey, 2011)، ادامه می‌دهند که ایالات متحده تلاش دارد تا در نهایت و با شدت فشارهای اقتصادی به مردم ایران، به ایجاد شکاف میان مردم و نظام و شکل‌گیری تقابل میان این دو بپردازد. عبارات فوق بیانگر چرخش کامل سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه جمهوری اسلامی است از تحریم‌های هوشمند علیه ساختارهای حکومتی ایران به تحریم‌های فلج‌کننده و همه جانبه علیه ملت ایران.

خواجه‌پور و همکارانش معتقدند، از اصلی‌ترین ویژگی‌های تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران، هدف‌گیری مردم و جامعه به جای نهادهای حاکمیتی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای است. دولت ایالات متحده تلاش دارد به جای مجازات‌های گزینشی برای فشار بر ضد افراد و گروه‌های مورد نظر و با هدف پرهیز از ایجاد مشکلات و مشقت برای عموم مردم و اقتصاد در قالب‌هایی نظیر انسداد دارایی اشخاص، منع مسافرت افراد، تحریم تسلیحاتی و نهایتاً فروش کالاهای خاص با هدف‌گیری صنعت انرژی و صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های آنها، بانک‌ها از جمله بانک مرکزی، کشتیرانی و کشتی‌سازی، بیمه و حمل و نقل، پول ملی، خودرو سازی و دیگر صنایع پایه در هر دو حوزه بخش خصوصی و عمومی، به کل اقتصاد و تجارت ایران و به عبارتی کلی، زندگی روزمره مردم حمله ور شده است (Khajehpour & et al., 2013:10).

تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی، علاوه بر هدف فوق، هدف راهبردی ایالات آمریکا در جهان را نیز برای دولتمردان آمریکایی پیگیری می‌نماید و آن عبارت است از تداعی مجدد رهبری آمریکا در جهان. جمشیدی با تأیید این نکته که مهمترین گزینه آمریکا در قبال ایران، تحریم است، یادآوری می‌نماید، اتفاقاً به خاطر جنس این سیاست که نیازمند همراهی دیگر بازیگران با آن است، می‌تواند تبلور رهبری و قدرت اجماع‌سازی آمریکا نیز محسوب شود و از این نظر، بیانگر یکی از مولفه‌های قدرت آمریکا باشد (Jamshidi, 2013: 127).

۳. تجزیه و تحلیل: تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده و وزن ژئوپلیتیک ایران

تاکید مقام معظم رهبری به نقش و اثر گذاری مردم در جمهوری اسلامی از جمله این که، «آمریکایی‌ها معتقدند جمهوری اسلامی بر ملت تکیه دارد... این حرف که نظام اسلامی کاملاً

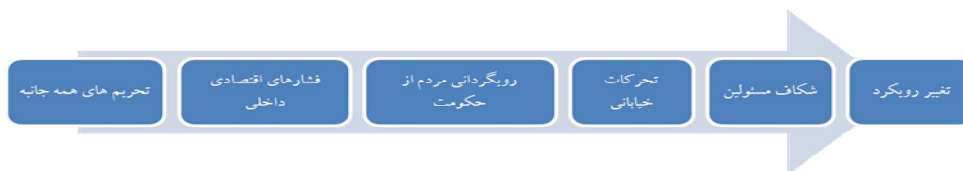
متکی بر توده‌های عظیم ملت است، حرفِ درستی است...» (Kamenei, 27/Jan/2011) و «در طول تاریخ ما، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن، نقش مستقیم داشته باشند. در انقلاب اسلامی مردم آمدند؛ همه‌ی مردم، همه‌ی قشرهای مردم، از شهری و روستایی، از زن و مرد، از پیر و جوان، از تحصیلکرده و بیسواد، همه و همه در کنار هم حضور پیدا کردند» (Kamenei, 12/Oct/2010) و... بیانگر حساسیت و اهمیت جایگاه جایگاه قدرت مردمی در وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظر ایشان دارد.

آمریکایی‌ها در تلاش‌های متعدد خود پس از انقلاب اسلامی برای خدشه به ساختار انقلاب اسلامی و در تجربیات مختلف دریافتند که رمز استواری جمهوری اسلامی، تکیه تام و تمام آن بر قدرت مردمی انقلاب اسلامی است تا جایی که پترائوس از مهمترین استراتژیست‌ها و سیاستمداران آمریکایی نقل کرده است، «فشار به ایران زمانی به اوج می‌رسد که اولین و بنیادی‌ترین منفعت عینی و هدف راهبردی جمهوری اسلامی ایران که از نظر ایالت متحده، اعتقاد درونی مردم به نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است، به چالش کشیده شود» (Petraeus, 2012).

راهبرد تحریم‌های همه جانبه از سوی ایالات متحده با کارویژه فلج کردن مردم که در قسمت‌های بالا به آن اشاره شد، نشان‌دهنده تصمیم استوار مقام‌های آمریکایی برای افزایش فشارها به مردم از جمله فشارهای اقتصادی تا حد نهایی است. فشارهای اقتصادی تحریم‌ها تا آن جا ادامه خواهد یافت که جامعه داخلی ایران فلج شود؛ فلج در اثر اوج فشارهای اقتصادی به مردم ایران. فشارهایی که در نظر آمریکایی‌ها نه تنها با کاهش حمایت‌های مردمی از رویکردهای جمهوری اسلامی ایران همراه است بلکه سبب افزایش بیش از حد فشارهای اقتصادی به حکومت جمهوری اسلامی برای جبران ضرر و زیان تحریم‌ها نیز می‌شود و این در تعبیر سناریونویس‌های آمریکایی یعنی بازی دو سر برد برای آن‌ها. در همین راستا آمده است، از زمان اعمال تحریم‌ها بر صادرات نفت و بانک مرکزی ایران در سال ۲۰۱۲، انقباض مالی در ایران حکمفرما شد. دسترسی ایران به ذخایر ارزی خارجی در بیرون از کشور کاهش یافته و آمارها حکایت از این دارد که کسری تراز تجاری به روند طبیعی در سال‌های رشد تحریم‌های همه جانبه علیه ایران تبدیل شده است. همچنین، ریال در سال‌های اخیر به کمترین میزان ارزش خود در برابر دلار رسیده و تورم و بیکاری، همراه روزمره مردم ایران شده است (Jamshidi, 2013: 129). مالونی نیز معتقد است، «تهدید کنندگی رژیم» بارزترین ویژگی

_____ تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده آمریکا و وزن ژئوپلیتیک...

تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران است. وی ادامه داده است، مکانیسم مورد نظر دولت اواما برای تغییر محاسبه، ایجاد تهدید بقای نظام جمهوری اسلامی از طریق آشوب داخلی است که ایالت متحده با تشدید مستمر تحریم‌ها علیه ایران در قالب قوانین متعدد، عملاً سیگنال‌های قوی تری مبنی بر تمایل فزاینده به تغییر رژیم ارسال کرده است (Maloney, 2012). در ادامه با اذعان به روند بودن تحریم‌های ایالات متحده علیه کشورمان و تحلیل در قالب راهبرد و تاکتیک، تصویر شماتیک ذیل برای معرفی هر چه بهتر چگونگی عمل کنندگی مکانیسم تحریم‌ها در نظر آمریکایی‌ها، رسم شده است.



تصویر شماره (۳): روند حرکتی تحریم‌ها برای رسیدن به هدف

ایالات متحده در آینده تلاش خواهد کرد با گسترده‌تر کردن تحریم‌ها و افزودن جنبه‌های دیگر در سبب تحریم‌های ایران، فشارهای اقتصادی و... بر مردم کشور افزایش داده و تا جایی افزایش خواهد داد که ذهنیت رویگردانی از حکومت و انقلاب اسلامی در ذهن مردم شروع به رشد نماید.

از طرف دیگر این کشور همزمان تلاش خواهد کرد با هدایت افکار عمومی از طریق رسانه‌ها و افزایش فشار اقتصادی از طریق اثرگذاری روانی رسانه‌ها به تهییج مردم برای بروز احساسات نارضایتی خود خواهد پرداخت و تمامی تلاش خود را برای آوردن حداقلی افراد به خیابان‌ها خواهد کرد. در نتیجه در این زمان، آمریکایی‌ها به دنبال نشانه‌هایی از وقوع آشوب داخلی برای دامن‌زدن به گام بعدی می‌مانند. کنگره آمریکا در گزارشی پیرامون اثرگذاری تحریم‌ها در ایران آورده است: «در سطح جامعه، شاهد وقوع ناآرامی‌های کارگری و عمومی بوده‌ایم که به خاطر تصاعد فزاینده قیمت مواد غذایی و کاهش شدید ارزش پول ملی ایران رخ داده اند. در اکتبر سال ۲۰۱۲، بازاریان که طبقه بازرگان تأثیرگذار ایران می‌باشند، به خاطر اعتبار سقوط ارزش ریال، مغازه‌های خود را بستند؛ هر چند این

مغازه‌ها بیش از یک روز بسته نبودند. در اوایل سال ۲۰۱۳ برخی کشاورزان اصفهانی به علت کمبود آب به خودروهای دولتی حمله کردند، اما این موارد نتوانست نا آرامی پایدار در سطحی که به نظر می‌رسید در سال ۲۰۰۹ (آشوب‌های خیابانی بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸) نظام را تهدید می‌کند ایجاد نماید». سخنگوی وزارت خارجه آمریکا درباره حوادث فوق بیان داشته است، «از نظر ما، این وقایع بیانگر فشار موفقیت آمیز مداوم و فزاینده بین‌المللی است که ما تلاش می‌کنیم بر اقتصاد ایران وارد کنیم» (Nuland, 2013). همچنین وزیر خارجه سابق آمریکا در این باره ذکر کرده است، «مقصر وضعیت اقتصادی فعلی در ایران، حاکمیت است و وعده «ترمیم زود هنگام»^۱ تحریم‌ها در صورت تغییر رویکرد، پیشنهاد آمریکایی‌ها به حاکمان جمهوری اسلامی است (Clinton, 2012).

گام بعدی ایالات متحده در بازی تحریم‌های همه جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران، رشد و گسترش زمینه‌های شکاف میان مسؤولین کشوری پس از اعتراضات و تحرکات خیابانی است. مهمترین مساله ای که می‌تواند در زمینه وزن سیاسی ژوپلیتیک یک کشور موثر باشد، مساله مکمل شدن وحدت مسؤولین کشور با قدرت مردمی کشور است. این مهم نه تنها تسریع در روند حل مشکلات را در پی خواهد داشت بلکه همدلی میان مسؤولان موجب می‌شود که از چند دستگی و تفرقه میان مردم نیز جلوگیری شود.

سیاستمداران و استراتژیست‌های آمریکایی با توجه به نکته فوق، تلاش خواهند کرد تا در ایام بحرانی آغاز اعتراضات خیابانی، همجمله اطلاعاتی، رسانه‌ای و سیاسی خود را در جهت شکاف میان مسؤولین ساماندهی نمایند. برنامه‌ای که در نظر آمریکایی‌ها نقطه عطف در موفقیت نهایی راهبرد تحریم همه جانبه علیه جمهوری اسلامی است چرا که:

اولاً؛ بحران را تکمیل و آماده بهره برداری نهایی برای آمریکایی‌ها می‌نماید؛

ثانیاً؛ امکان کنترل مردم و بازگشت به قبل را از بین خواهد برد؛

ثالثاً؛ عقب نشینی خودخواسته کشور را در پی خواهد داشت که هدف اصلی تحریم‌هاست؛

رابعاً؛ افزایش فشارهای خارجی در حمایت از آمریکا را در پی خواهد داشت؛

و....

1. Remedied in Short Order

نتیجه‌گیری

بررسی چگونگی اثرگذاری تحریم‌های همه جانبه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد چالش در قدرت مردمی ایران به‌عنوان یکی از مهمترین مولفه‌های وزن ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی، هدف مقاله حاضر بود که نویسندگان واکاوی نمودند، «ایالات متحده آمریکا با اتخاذ راهبرد تحریم برای تحریم، تلاش دارد با گسترش ابعاد تحریم‌های خود علیه ایران تا حد ممکن، با فلج کردن زندگی روزمره مردم به‌عنوان تکیه‌گاه حیاتی کشور، با ضربه به قدرت مردمی جمهوری اسلامی ایران از طریق دامن زدن به اعتراضات مردمی، رفتارهای جمهوری اسلامی ایران در آینده را مدام از طریق تحریم تغییر دهد».

نوشتار حاضر تلاش داشت با این ادعا که تحریم‌ها در سیاستگذاری دولتمردان آمریکایی در قبال ایران به‌عنوان یک روند دیده می‌شوند، نشان دهد که که مراحل اثرگذاری تحریم‌ها و هدف نهایی آن‌ها چیست و چگونه عمل می‌کند. در این رابطه هرچند با توجه به گزارش مجلس نمایندگان آمریکا در سال ۲۰۱۳ که بیان نموده است، «سرخوردگی رو به رشد مردم از سیاست‌های اجتماعی اقتصادی حکومت منجر به ناآرامی سیاسی نشده است...» (Jamshidi, 2013: 129)، هر چند عدم شناخت کامل دولتمردان آمریکایی از ظرفیت مردمی جمهوری اسلامی ایران و نگاه سطحی به نوع رابطه مردم-حاکمیت در ایران، نتیجه‌ای جز نقل قول فوق را در بر نخواهد داشت اما عدم بررسی هوشمند و عدم نگاه راهبردی به تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان اشتباه فاحشی است که به نظر می‌رسد باید از آن دوری جست.

با توجه به تجربیات متعدد دخالت‌های آمریکا در ایران، واضح است که رهبران این کشور با صبر زیادی تحولات ایران و برنامه‌های مورد نظر خود در کشورمان را دنبال می‌کنند چنان چه کاتزمن آورده است، «عدم وقوع اعتراضات خیابانی و مردمی احتمالاً باعث می‌شود رهبران ایران فشار اندکی را حس کنند تا برنامه هسته‌ای خود را متوقف کنند» (Katzman, 2013: 47-48) و در ادامه نتیجه می‌گیرد که می‌بایست هم‌چنان بر فشارها افزود تا اعتراضات مردمی علنی و خیابانی شوند؛ نکته‌ای که تلاش آمریکا برای گسترش دامنه تحریم‌ها در کنار عدم اعمال تحریم‌ها در حوزه اینترنت، تلفن همراه، شبکه‌های ارتباطی و ... در دامنه تحریم‌های ایران، گویای نگاه ویژه رهبران آمریکا از استفاده از ظرفیت مردم دارد.

در این راستا پیشنهادات مقاله حاضر عبارتند از این که:

توجه بیش از پیش دولتمردان ایرانی به سیاست‌گذاری ویژه آمریکایی‌ها بر استفاده از ظرفیت مردمی جمهوری اسلامی در تحریم‌های اعمالی است که به نظر می‌رسد در اوج فشارهای اقتصادی بر حکومت در سالیان اخیر به دلیل تحریم‌ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا می‌بایست برنامه ای مدون برای خنثی سازی برنامه ریزی‌های هدفمند دولتمردان ایالات متحده در این باره طرح ریزی کرد و تلاش برای افزایش آگاهی مردم در این زمینه به عنوان اولویتی اساسی در دستور کار قرار گیرد.

توجه هوشمند مسئولین کشور به راهبرد تحریم‌ها به عنوان بخشی از راهبرد کلان آمریکا در ارتباط با مدیریت بحران رهبری جهانی که در قالب پازل بزرگ در حال چینش است؛ پازلی که می توان تحولات فعلی منطقه از جمله افزایش تلاش برای اتحاد کشورهای اروپایی برای فشار به روسیه در بحران اوکراین و همچنین تلاش برای رهبری ائتلاف جهانی ضد داعش را از جمله دیگر قطعاتش دانست.

فهرست منابع

- Ajili, Hadi & Keshavarz, Elham (2013). "The Impact of International Sanctions on Iran's Economic Development". **Development Strategy**, No. 36, Winter, [In Persian].
- Azami, Hadi (2013). "Weight Geopolitical and Regional Power System (Case Study: South West Asia)". **Quarterly Geopolitics**. Volume 2, No 3-4, [In Persian].
- Afshordi, Mohammad Hosein & Akbari, Hosein (2011). **Shia Geopolitical Factors Influence the Development of the Islamic Revolution in Proceedings of the Conference on Shiite Geopolitics**. Tehran: Iran's Geopolitical Community, [In Persian].
- Biden, Joseph (2012). "Remarks by the Vice President to the Rabbinical Assembly Leadership", **White House**.
- Carter, Barry. E. (1998). **International Economic Sanction: Improving the Haphazard Legal Regime**. Cambridge University Press.
- Clinton, Hillary (2012). "Remarks at the Saban Center for Middle East Policy 2012 Saban Forum Opening Gala Dinner". **Saban Center at Brookings Institution**.
- Cohen, David (2013). **U.S. Policy toward Iran**, Testimony in Senate Committee on Foreign Relations.
- Foreign Policy Research Department (2007). "**America's Economic Downturn Dimensions and Implications**". Foreign Policy Research Department, September

- Georg, Alexander (1994). "Theory and Practice". **The Limits of Coercive Diplomacy**. 2nd edition, Boulder, CO: Westview Press.
- Hafeznia, Mohammad Reza (2011). **Principles and Concepts of Geopolitics**. Mashhad, Papoly. Publication [In Persian].
- Hafeznia, Mohammad Reza (2000). "The New Definition of Geopolitics". **Journal of Geographical Research**, Mashhad: Year XVI, No. 3 and 4, [in Persian].
- Hoseinpour pouyan, Reza (2012). "Geographic and Geopolitical Component in Geopolitical Relations". **Quarterly Geopolitics**. Year IX, No. 2, [in Persian].
- Jokar, Mohammad Sadegh (2012). "Comparative Study of the UN Sanctions, the United States and Western Allies in Europe and America". **Journal of Economics and Energy**, No. 157 and 158, June and July, [In Persian].
- Jamshidi, Mohammad (2013). "Sanctions, Iran's Nuclear Calculation Tool for Changing America". **Strategic Studies Quarterly**, Vol. XVI, No. IV, winter, [In Persian].
- Kazemi Dinan, Morteza (2008). **The Rise of Shiite Southern Persian Gulf** (Saudi Arabia, Bahrain and Kuwait). Qom: Shia Studies Institute, [In Persian].
- Katzman, Kenneth (2013). "Iran Sanctions". **Congressional Research Service**.
- Khadem, Fazeleh (2011). "Emerging Power Geopolitics and Vision 2050". **Quarterly Geopolitics**. Year 8, No. 2, [in Persian].
- Khajehpour, Bijan; marashi, reza & Parsi, Trita (2013). "Never Give up: The Lamp act of Sanctions on Tehran Nuclear Calculations". **National American Council**, [In Persian].
- Maloney, Suzanne (2012). "Obama Counterproductive New Iran Sanctions: How Washington is Sliding toward Regime Chang". **Foreign Affairs**.
- MojtahedZadeh, Pirooz (2012). **Philosophy and Geopolitical Function**. Tehran: Samt, [in Persian].
- Moradiyan, Mohsen (2010). "Mathematical Modeling to Measure the External Security", **Quarterly Geopolitics**. Volume 7, No 1, [in Persian].
- National Intelligence Estimate (NIE) (2007). **Iran: Nuclear Intentions and Capabilities**, Office of Director of National Intelligence.
- Obama, Barack (2012). "Remarks at AIPAC Policy Conference". **White House**.
- Petraeus, David (2012). **Hearing in Senate Select Intelligence Committee on Worldwide Threats**. Available at: [http:// www.dia.mil](http://www.dia.mil).
- Sajjadpour, Seyyed Mohammad Kazem & Sariati, Shahrooz (2010). "Irans Proposition in America's Relations with China 1991-2009." **Quarterly Geopolitics**. Volume 7, No. 2, [in Persian].
- Seif Zadeh, Seyyed Hosein (2010). **Principles of International Relations (A and B)**. Tehran: Mizan, [In Persian].
- Waltz, Stephen (2013). "What Would Alex George Say about Coercing Iran?". **Foreign Policy**.

